زیبایی‌شناسی تطبیقی نمونه کاشی‌های زرین‌فام منقوش متعلق به سدهٔ هفتم هجری قمری

سمانه صادقی‌مهر
دانش‌آموخته دکتری پژوهش هنر دانشگاه الزهرا

چکیده

هنر آذین‌گری سفالینه‌ها و های ایرانی از دیرباز مورد توجه هنرمندان و صنعت‌گران این مرز و بوم بوده است. در میان شیوه‌های آذین‌گری، آثار سفالی، فن ساخت زرین‌فام به‌منزلهٔ مهم‌ترین و پیچیده‌ترین شیوه در میان هنرشناسان شناخته شده است. در اوج دوران تولید سفالینه‌های زرین‌فام در سدهٔ هفتم هجری قمری، هنرمندان ایرانی به‌ویژه خاندان‌های صنعتگر و هنرمند کاشانی با توسعهٔ روش‌های ساخت آثار زرین‌فام به‌چنان تخصص و توانایی در این عرصه دست یافتند که این فن را در مهم‌ترین اماکن مذهبی و دارای اهمیت ایران به‌کار گرفته‌اند. بر این مبنا در این مقاله سعی شده در بستری تطبیقی_توصیفی و با در نظر گرفتن منابع تاریخی به بررسی و معرفی۵ نمونه کاشی زرین‌فام متعلق به امامزاده اسماعیل (ع) واقع در روستای بیدقان قم پرداخته شود. مجموعه شامل یک کاشی ستاره‌ای به‌رقم فخرالدین و به‌تاریخ ۶۶۱ هجری قمری و چهار عدد کاشی با مضامین تصویری مشابه و بدون تاریخ و رقم است. نتایج مطالعات تطبیقی نشان داد که نمونه‌های مورد مطالعه متعلق به مکتب کاشان هستند. همچنین می‌توان ادعا کرد که این آثار توسط یک هنرمند و در تاریخی یکسان تولید شده‌اند.

واژگان کلیدی: زیبایی‌شناسی، کاشی زرین‌فام، دورهٔ ایلخانی، شاهنامهٔ فردوسی، امامزاده اسماعیل قم

مقدمه

آنچه می‌توان به‌منزلهٔ سرآغاز مباحث هنر دورهٔ ایلخانیان مطرح کرد، ابتدا اشاره به چگونگی ورود این قوم به ایران و تشکیل حکومت آن‌هاست، نخستین یورش مغول به حدود ۶۱۶_۶۱۹ هجری قمری که منجر به ویرانی کامل شهرهای ماوراءالنهر و خراسان، پراکندگی هنرمندان و صنعتگران و توقف رشد هنرها در این مناطق شد، باز می‌گردد. هجوم بعدی به رهبری هلاکوخان[۱] صورت گرفت؛ او بر بخش‌های دیگری از ایران تسلط یافت و با تصرف بغداد و کشتن خلیفه معتصم به حکومت ۵۰۰ سالهٔ عباسیان پایان داد. هلاکو را می‌توان به‌عنوان مؤسس سلسلهٔ ایلخانیان در ایران شناخت که مرکز حکومتی خود را در آذربایجان بنا نهاد (پاکباز،۱۳۷۹: ۶۰). حکومت ایلخانان پس از تصرف ایران و فجایع انسانی و فرهنگی گسترده شروع به آشنایی و سپس جذب در فرهنگ غنی و سرشار ایرانی شدند. آنچه را که می‌توان در زمینهٔ هنر و تأثیر آنان بر هنر ایرانی، مهم برشمرد، انتقال سنت‌های هنر چینی به ایران و در نتیجه فراهم آمدن زمینه‌های نو برای نگارگران است. اوج و رواج هنر نگارگری در این عصر را می‌توان در نقاشی‌های روی سفال این دوره مشاهده کرد. بسیاری از ظروف سفالی برجای مانده از این دوره مانند نگاره‌ای هستند که چهره‌ها، درخت، گل، بوته‌های اسلیمی، پرندگان و حیوانات را در خود تصویر کرده است. همچنان که نفوذ طرح‌ها و حتی البسهٔ مغولی در مینیاتور این دوره کاملاً مشهود است، در نقش ایجاد شده بر روی سفالینه‌های سده‌های هفتم و هشتم نیز جای پای آن دیده می شود (شایسته فر،۱۳۸۶: ۲۲).

در زمینهٔ سفال و کاشی به دستاورد مهمی که می‌توان اشاره کرد، توسعهٔ مبانی و ساخت این هنرهاست که باعث شد ایران به‌منزلهٔ قطب مهمی در این هنر- صنعت به جهان اسلام معرفی شود و در سده‌های هفتم و هشتم به شیوه‌ای استاندارد و فراگیر برای ساخت کاشی‌های بسیاری از اماکن مذهبی مهم و غیر مذهبی تبدیل شود(caigersmith,۱۹۸۵:۸) . در این میان شهرهایی همچون کاشان، قم و ری سهم قابل توجهی در تولید و معرفی این آثار داشتند. از این رو در این مقاله به بررسی و معرفی پنج نمونهٔ کاشی زرین‌فام متعلق به امامزاده اسماعیل واقع در روستای بیدقان قم پرداخته شده است. این مجموعه شامل یک کاشی ستاره‌ای رقم‌دار و چهار عدد کاشی با مضامین تصویری مشابه و بدون تاریخ و رقم است.

پیشینهٔ تحقیق:

اگرچه در ارتباط با کاشی ایرانی به‌ویژه نمونه‌های زرین‌فام پژوهش‌های درخوری توسط پوپ (۱۳۸۷)،

۱.هلاکو خان همچنین شناخته شده با نام هلاکو، هلاگو یا هولائو (۶۱۵–۶۶۳ه.ق. /۱۲۱۸–۱۲۶۵ م)در مراغه است .او بنیانگذار سلسله ایلخانیاندر ایران است.

کایگر اسمیت (۱۹۸۵)، واتسون (۱۳۹۱) به‌انجام رسیده و در پژوهش‌های دیگری چون نتایج مطالعات قانونی و صادقی‌مهر (۱۳۹۶) کاشی‌های زرین‌فام حرم حضرت معصومه (س) بررسی، مطالعه و معرفی شده‌اند، در ارتباط با نمونه‌کاشی‌های زرین‌فام امامزاده اسماعیل (ع) واقع در روستای بیدقان قم پژوهشی به‌انجام نرسیده یا دست کم معرفی نشده‌اند.

روش تحقیق:

این تحقیق از حیث هدف بنیادی است و از نظر ماهیت در دستهٔ پژوهش‌های تاریخی جای می‌گیرد. یافته‌ها با بررسی‌های میدانی و اسنادی (کتابخانه‌ای) گردآوری شده‌اند و با بهره‌گیری از «رهیافت تاریخی» و انجام مطالعات تطبیقی، تحلیل و تفسیر شده‌اند.

زرین‌فام ایرانی

تاریخ سفالگری ایران با قدمتی بیش از تمامی آثار هنری تولید شده در این سرزمین، به‌منزلهٔ اولین جلوهٔ هنری شاخص مورد توجه بوده است اما جلوه‌های خاص تزیینی از قبیل استفاده از لعاب‌های مختلف و فن رسیدن به رنگ طلاگون و بازتابش آن را باید در سده‌های نخستین دوران اسلامی در ایران جستجو کرد. از دیرباز بازیابی، تولید و ایجاد فنون رسیدن به رنگ طلایی و بازتابش حاصل از آن از مهم‌ترین دغدغه‌های کیمیاگران، دانشمندان و هنرمندان جهان پیرامون ما بوده است. این تلاش از دو نظر دارای اهمیت است، یکی رسیدن به عنصری شبیه به طلا با اکسید فلزات ارزان‌قیمت‌تر از آن به‌منزلهٔ مهم‌ترین و ارزشمندترین فلز بشری که می‌توانست جلا، تلألو و رنگ آن را در اوج شکوهمندی و ساخت آثار هنری جلوه‌گر سازد و دیگری که شاید بیشتر در مفاهیم دینی و مذهبی بازنمود داشت، تلاش برای رسیدن به کمال خلوص و پاکی فلز طلا که بازتاب و نمادی از پروردگار و عالم غیب بوده و آن را جلوه‌گر می‌سازد. این امر در دین اسلام به دلیل ممنوعیت به‌کارگیری فلز طلا در آلات و لوازم زندگی بیشتر جلوه‌گر شده به گونه‌ای که پس از ورود اسلام به سرزمین‌های اسلامی بسیاری از کیمیاگران سعی بر بازتولید تلألو خاص طلا در بستری دیگر نموده تا ممنوعیت آن را نیز برطرف سازند. این تلاش جهت رسیدن به تلألو طلا در سده‌های نخستین اسلام در سرزمین‌های مختلف اسلامی نظیر ایران، عراق، سوریه و مصر به‌تولید نمونه‌هایی رسید که می‌توان آنرا نخستین تلاش برای ایجاد رنگی طلاگونه در آثار سفالی دانست که بعدها با نام زرین‌فام[1] مشهور شدند. پژوهشگرانی چون آرتورلین، ایهام پوپ، جیمز آلن و اتینگهاوزن براساس مطالعات خود

1. Lustre Glaze

زادگاه مولد زرین‌فام را یکی از کشورهای ایران، عراق یا مصر دانسته‌اند (اکبری،۱۳۸۷: ۳۵).

همان‌طور که اشاره شد، پس از حملات ویرانگر مغول، فعالیت سفالگری در شهر ری متوقف شد؛ اما سفالگری کاشان پس از صدماتی سخت، بالاخره بهبود یافت. تولید ظروف لعابی با نقش‌مایه‌های محافظه‌کارانه که یادآور نقش‌های کهن گذشته بود سرتاسر سدهٔ هفتم و هشتم به‌تولید خود ادامه داد که نمایانگر تأثیرات آسیای شرق دور بود. این تحول عظیم در سبک سفالگری را می‌توان در رشتهٔ وسیعی از تولیدات اشیای سفالی به تاریخ ۷۳۹ هجری مشاهده کرد. مهمترین گروه از این تولیدات، کاشی‌های لعابی منقوش هشت‌ضلعی با اشکال چلیپایی است که به دلیل اینکه مرکز تولید آنها در کاشان بود به کاشی معروف شدند؛ سفالینه‌هایی که در تزیین معماری و محراب‌ها به وفور به کار می‌رفت (شراتو و همکاران،۱۳۷۶: ۲۴).

کاشی‌های منقوش زرین فام

در اواخر سده ششم هجری تولید سفالینه‌های زرین‌فام علاوه بر ظروف، در فرم‌های دیگری مانند کاشی و محراب‌ها صورت می‌گرفت. سهم سفالگران ایرانی به‌ویژه کاشانی در ساخت تکنیک جدیدی که بعدها به نام صاحبان آن یعنی کاشی شهرت یافت غیر قابل انکار است. افزون بر این بزرگی کاشان به عنوان مرکز ساخت سفالینه به طور مشخص طبق روایت‌ها در سراسر ایران تأیید شده است تا جایی که همواره پذیرفته شده که کاشان شهر مرکزی سفالینهٔ کشور بوده است (پوپ،۱۳۸۷: ۱۸۰۴). به عنوان نمونه ابن بطوطه[۱] در سفرنامهٔ خود به کاشی‌های زرین‌فامی با فرم پنج‌پَر با نام کاشانی اشاره می‌کند[۲](معتقدی،۱۳۹۳: ۹). یا ابوالقاسم عبدالله کاشانی در سال ۷۰۰ هجری یکی از اعضای خاندان طاهر کاشانی در کتاب عرایس الجواهر و نفایس الاطایب به مبحث زرین‌فام، مواد تشکیل‌دهنده و فن ساخت آن سخن به میان می‌آورد که خود نیز قدیمی‌ترین نمونهٔ دستور ساخت زرین‌فام است. از ویژگی‌های مشخص کارگاه‌های کاشان می‌توان به‌نظم در تراکم اجزای اثر، به‌هم پیوستن در تمام قسمت‌ها، اردک‌های کوچک و برگ‌های رگه‌دار و همچنین مردان نجیب‌زاده ریش‌دار اشاره کرد، همچنین عموماً تصاویر به‌کار رفته در این کاشی‌ها تصاویری بر زمینه‌ای زرین‌فام مشتمل بر گل و بوته، شاخ و برگ، مرغان، جانوران، تصاویر انسانی و گاهی مجالس شکار است. شیوهٔ به‌کارگیری و انتخاب رنگ کاشی‌ها در اوج هماهنگی و کمال است؛ به گونه‌ای که با اینکه عموماً تک کاشی‌ها دارای تصاویر

۳. ابن بطوطه،محمدبن عبدالله بن محمدبن إبراهیم لَواتی طَنجی، ابوعبدالله،درشهر طَنجه سال ۷۰۳ ه.ق/۱۳۰۴ مدرمغرب (مراکش) به دنیاآمد.
۴. همچنین یاقوت حموی نویسنده کتاب معجم‌البلدان نیز شهر کاشان را به واسطه کاشی‌های زرین فام و مینایی که در آن ساخته می‌شده این چنین معرفی کرده است: "مدینه قرب اصبهان، تذکر مع قم و منها یجلب الغضائرالقاشانی و العامه بقول القاشی" (حموی،۲۹۶:۱۹۷۷)

و عناصر غیرهم شکل و مجزا هستند، در کل به چنان هماهنگی می‌رسند که در نوع خود بی‌همتاست. همچنین عبارات، احادیث و آیات با کارکرد اجتماعی و اخلاقی بر حاشیهٔ برخی از کاشی‌ها نقش می‌بسته که علاوه بر خاصیت تزیینی این نمونه‌ها، به آنها جنبهٔ اخلاقی و عرفانی نیز می‌داده است (همان).

تکنیک کاشی‌سازی در دوران پساخوارزمشاهی و در حکومت ایلخانان نیز ادامه یافت به گونه‌ای که بسیاری از نمونه‌های باقی مانده از اماکن تاریخی و مذهبی در مشهد و قم مزین به کاشی‌های چندپر و ستاره‌ای متعلق به سده هفتم هجری است.

دوره‌های سلجوقی و ایلخانی اولین مظاهر شگرف کاشی‌کاری اسلامی به حساب می‌آیند. در این برهه‌های تاریخی ابداعاتی تحت حاکمیت این دو سلسله در تکنیک‌های گوناگون صنعت سفالگری انجام گرفت. نکتهٔ جالب اینکه شمار زیادی از کاشی‌هایی که اکثراً دارای تاریخ و امضای صنعتگران خود بوده از این دوره باقی ماندند. افزون بر آن، حمایت‌های وسیع مذهبی که از سوی حاکمان و شخصیتهای برجستهٔ مذهبی هر دو سلسله صورت گرفته، باعث ساختن بناهای متعددی به‌عنوان مقبره گردید. مهمترین این مقبره‌ها با کاشی‌های زرین‌فام تزیین می‌شدند (پورتر، ۱۳۸۱ :۳۲).

معرفی بنا و کاشی‌های مورد مطالعه

یکی از بقاع مشهور و مورد توجّه اهالی قم، بقعه متبرّکه امامزاده اسماعیل (ع) است که در ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی قم، در بالای کوهی مرتفع در حومهٔ روستای بیدقان قرار دارد. این بقعه از بناهای تاریخی قم و دارای درهای نفیس و کاشی‌های عالی و صندوق منبّت روی مرقد و مشتمل بر بقعه، گنبد، رواق، صحن و مسجد است. بنای بقعه، از ابنیه سدهٔ هفتم هجری است و بانی اولیّهٔ آن نامعلوم است؛ با توجّه به کاشی‌هایی که در آن مزار به‌کار رفته، مخصوصاً کاشی‌هایی که دارای صورت سه سوار است، می‌توان ادّعا کرد که بانی بقعهٔ مزبور از امرای دولت هلاکوخان و یا خواجه نصیرالدّین طوسی، وزیر وی بوده است. پلان بنا از خارج، به صورت برج چندوجهی و استاندارد آن دوره و از داخل صورت چهارضلعی متساوی به دهانهٔ ۵/۵۰ و ارتفاع ۹ متر است (شکل ۱).



■ شکل ۱: نمای بیرونی بقعهٔ امامزاده اسماعیل واقع در روستای بیدقان قم (مأخذ: نگارنده).

از بنای امامزاده نُه قطعه کاشی شاخص به‌جای مانده که در دورهٔ تحول به موزهٔ آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) انتقال یافته است. مجموعهٔ مورد بحث در این پژوهش مشتمل بر پنج قطعه کاشی زرین‌فام از مجموعهٔ بالاست که چهار عدد از آنها دارای روابط و همنشینی یکسان بوده و یکی از کاشی‌های منقوش دارای موضوع و کتیبهٔ متفاوت است. در ذیل به معرفی هریک از نمونه‌ها می‌پردازیم:

چهار قطعه کاشی زرین‌فام منقوش

کاشی خشتی، متشکل از چهار قطعه کاشی‌زرین فام و با دو رنگ کرم و قهوه‌ای است که ابعاد هر قطعه کاشی ۴۳×۴۳ سانتی‌متر است (شکل۲). این کاشی‌ها بدون کتیبه و شامل نقوش گیاهی، انسانی و حیوانی هستند. توصیف کاشی‌ها بدین شرح است:

۱. دو شخص روبروی هم در میان باغی پر از گل و برگ و پرنده‌های کوچک نشسته‌اند. پائین تصویر، برکه‌ای پر از ماهی قرار دارد و در بالای تصویر دو پرنده روبه‌روی هم ایستادهاند. لباس‌ها، فرم صورت و هالهٔ اطراف سر همان سبک پر نقش و تکلف کاشان است. علاوه بر فرسایش و محوشدن نقش کاشی و شکسته شدن بخش‌هایی از آن، به‌نظر می‌رسد صورت شخص سمت راست، از سوی عوامل انسانی از بین رفته است.

۲. شخصی در مرکز تصویر و شش شخص دیگر دور تا دور در اطرافش نشسته‌اند. گویا شخصِ قرار گرفته در مرکز، شخصیت مهمی است؛ زیرا روی تختی نشسته است. پایین صحنه برکهٔ آبی، پر از ماهی در حال شنا و بالای صحنه دو پرنده روبروی هم ایستادهاند. لباس شخصیت‌ها، پر از نقش و نگار، صورت گرد، چشمان بادامی و هالهٔ اطراف سر اشخاص، قابل مشاهده است. زمینه با نقوش ویرگولی، شاخ و برگ‌های اسلیمی و گل‌های ختائی که پرندگان در لابه‌لای آنها نشسته یا در حال پروازند، در مجموع باغی را به ذهن بیننده تداعی می‌کنند.

۳. به‌نظر می‌رسد سواری را نشان می‌دهدکه اسب او در حال افتادن روی زمین یا نشستن است زیرا دو پای جلویی آن خم شده است. زمینه با نقش ویرگولی، اسلیمی‌های پر پیچ و خم و پرندگان کوچک بسیاری که در زمینه پراکنده‌اند، مزین شده است. بدن اسب نیز مانند لباس سوار، دارای تزئینات نقطه‌ای، ویرگولی، نگینی و نقاط سه‌گانه است. سوار دارای صورت مغولی با موهای بافته‌شدهٔ بلند است و کلاهی بر سر دارد.



■ شکل۲: چهار قطعه کاشی زرین‌فام متعلق به بنای امامزاده اسماعیل قم (مأخذ: نگارنده).

۴. نقش روی کاشی بر اثر مرور زمان محو شده است. فقط در

نزدیکی رأس کاشی، صورت ۵ نفر قابل مشاهده است.

تک‌کاشی منقوش زرین‌فام با موضوع کین‌خواهی کیخسرو

کاشی به فرم استاندارد کاشی‌های ۱۶ ضلعی یا هشت‌پر دوران ایلخانی و به ابعاد حدودی ۳۰×۳۰ سانتی‌متر ساخته شده که البته از اندازهٔ معمول این دوره کمی بزرگ‌تر است (شکل۳). نقوش این کاشی براساس داستان کین‌خواهی سیاوش توسط پسرش کیخسرو به تصویر کشیده شده و نقش سه سوار با لباس‌های مزین به نقش چشم طاووسی در آن مشاهده می‌شود. براساس نوع ترسیم پاها و سر اسب‌ها آنها در حال حرکتند، حرکت اسب‌ها و طرز قرارگیری سم‌ها و سواران حالتی زنده‌نما و در حال تاخت به ذهن بیننده تداعی می کند. بدن اسبان نیز با نقطه‌چین‌های کوچک و بزرگ پراکنده و داخل قاب تزیین شده است. دور سر سواران هالهٔ سفیدی قرار دارد و خود سواران نیز با مو و ریش آرایش شده‌اند که ویژگی ترسیم پیکره‌های متعلق به‌نجیب زادگان در سبک کاشان را نشان می‌دهد. چشم‌ها بادامی هستند و بر اثر عوامل انسانی از بین رفته‌اند. در این قطعه کاشی زمینهٔ دشتی با برکه‌ای که ماهی داخل آن شنا می کند و سه پرنده در حال پرواز بالای سر هر سه سوار تصویر شده است. سایه‌بانی طرح‌دار بالای سر سوار میانی قرار دارد. هیچ‌گونه فضای خالی در زمینه مشاهده نمی‌شود و با نقطه و شکل ویرگول و شاخه‌های گل پر شده است. کل طرح روی این قطعه کاشی با دو رنگ کرم و قهوه‌ای رنگ‌آمیزی گردیده که فام زرین زیبایی را از خود نمایان می‌سازند.

متن کتیبهٔ پیرامون کاشی از شاهنامهٔ فردوسی است و جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب جهت کین‌خواهی قتل پدرش سیاوش را روایت می کند که در ستایش سلطان محمود غزنوی[۱] سروده شده است.

چو پیکار کیخسرو آمد پدید — زمن جادوی‌ها بباید شنید
بدین داستان در ببارم همی — به سنگ اندرون لاله کارم همی
جهاندار اگر چند کوشد بِرنج — بتازد بکین و بنازد بگنج
همش رفت باید به دیگر سرای — بماند همه کوشش ایدر به جای
تو از کار کیخسرو اندازه‌گیر — کهن گشته کار جهان تازه گیر
که کین پدر باز جست از نیا — به شمشیر و هم چاره و کیمیا
نیا را بکشت و خود ایدر نماند — جهان نیز منشور او را نخواند
فخرالدین، سنة احدی و ستین و ستمائه ....

۵.ابوالقاسم محمود بن سبکتکین(۳۶۱–۴۲۱ هـ ق)، ملقب به سیف‌الدوله، یمین‌الدوله، امین‌المله، غازی و مشهور به سلطان محمود غزنوی پادشاه سلسله غزنویان بود. سلطان محمود که اولین فرمانروای مستقل و بزرگ‌ترین فرد خاندان غزنوی است.

خالق اثر



■ شکل۳: کاشی ستاره‌ای زرین‌فام کین‌خواهی کیسخرو متعلق به بنای امامزاده اسماعیل قم (مأخذ: نگارندگان).

خط به‌کار رفته در کتیبۀ دور این کاشی، تعلیق است. در کتیبۀ دور این کاشی بعد از ابیاتی از شاهنامۀ فردوسی در وصف کیخسرو، رقم فخرالدین و تاریخ سنة احدی و ستین و ستمائه یعنی سال ۶۶۱ هجری، ذکر شده است (شکل۴). پوپ نیز پیشتر با اشاره به رقم فخرالدین، این کاشی را معرفی کرده است؛ وی سه سواری که در کنار هم تصویر شده‌اند را بی‌گمان همان سه قهرمانی دانسته که در کاشی دیگری در موزۀ بوستون درحالی که از دژ فرود می‌آیند، به‌تصویر درآمده‌اند (پوپ،۱۳۸۷: ۱۸۱۲). پوپ آورده است که فخرالدین از نظر سبک کاملاً تحت نفوذ ابورفاضه[۱] قرار داشته است (همانجا). آنچه واضح می‌نماید، این است که چهار قطعه کاشی معرفی شده در قسمت اول به احتمال بسیار زیاد باید کار فخرالدین باشد. علاوه بر همزمانی و شیوۀ کار و نصب در یک مکان مشخص و در کنار هم، تکنیک و استفاده از عناصر تزیینی مشابه نیز ما را به اطمینان لازم برای بیان این نکته که هر دو مجموعه اثر هنری یک هنرمند است، مجاب می‌سازد.



■ شکل۴: رقم گوشۀ کاشی مشمتل بر رقم هنرمند، "فخرالدین" و تاریخ "فی شوال سنۀ احدی و ستین و ستمائه ....." (۶۶۱ هجری قمری) (مأخذ: نگارندگان).

با توجه به شیوۀ ساخت، تنوع نقوش، کتیبه‌ها و تاریخ تک‌کاشی می‌بایست به مطالعۀ تطبیقی و زیبایی‌شناسی این نمونه‌ها با نمونه‌های بارز و شاخص سدۀ هفتم پرداخت. آنچه باید پیش از تطبیق نمونه‌ها بیان شود، مطالعۀ تاریخی مکتب کاشی‌سازی زرین‌فام کاشان است. وجود نمونه‌های زیادی از کاشی‌های سبک کاشان در بسیاری از مقابر تاریخی قم، زمینۀ مناسبی را برای بررسی تطبیقی و تحلیل و توصیف آسان‌تر یافته‌ها فراهم کرده است. از این رهگذر می‌توان به مقایسۀ فن‌شناختی و زیبایی‌شناختی کاشی‌های امامزاده اسماعیل بیدقان با نمونه‌های شاخص مکتب کاشان و درک قرابت آنها پرداخت.

۶. ابورفاضه یکی از سه نقاش کاشی های ستاره ای در کاشان است.او انسانی فوق العاده با استعداد های فراوان شاعر و خوشنویس و طراح و سفالگر بود. به عنوان یک طراح روش مطمئن و سریعی داشت، چهره ها را دلپذیر نشان می داد و لباس ها سرشار از اسلیمی های پر از ریزه کاری های ظریف و در هم پیچیدهبه تصویر می کشید.

کاشی زرین فام

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد به‌طور حتم تولید کاشی در کاشان بسیار گسترده بوده و کاشی‌های تولید شده در این شهر در بازارهای هنری عرضه و به سرعت نایاب می‌شده‌اند؛ البته از این گروه کاشی‌ها هنوز با همان موقعیت و شرایط به تعداد کافی باقی مانده است؛ به هر حال این مسئله به سبک و نوع ساختمان‌هایی که کاشی‌کاری می‌شده، اشاره می‌کند. کاشی‌های زرین‌فام بیشتر در آرایش مقابری که عمدتاً به مذهب تشیع تعلق دارند، به‌کار گرفته شده‌اند. شیعیان که گاه از سوی سلجوقیان آزار و اذیت می‌شدند، تحت حاکمیت ایلخانان مغول از آزادی بیشتری در انجام عبادات و فرایض دینی برخوردار بودند. کاشی‌هایی که در سراسر سدۀ هفتم تولید می‌شدند با هر دو نقش پیکره‌ای و غیر پیکره‌ای آرایش شده‌اند و اغلب دارای کتیبه‌هایی به خط نسخ در اطراف حاشیه بوده‌اند؛ این کتیبه‌ها با درونمایه‌ای از اشعار فارسی، آیاتی از قرآن و به ندرت شبه‌کتیبه هستند.

با قید این احتمال که کاشی‌های پیکره‌ای عمدتاً کاربرد غیردینی داشته‌اند و کاشی‌های بدون پیکره معمولاً برای آثاری با شأن مذهبی در نظر گرفته می‌شده‌اند، این مسئله روشن است که تعدادی از کاشی‌های پیکره‌ای در مقبره‌های شیعی نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. رشد و پیوند مذهب «تشیع» و «صوفی‌گری» در سده‌های میانی دوران اسلامی در ایران، زمینۀ استفاده از اشعار غنایی را در مقبره‌ها فراهم نموده؛ همانگونه که در سنت صوفی نیز همین منوال به‌چشم می‌خورد و عشق انسانی، تمثیلی برای دوست داشتن خداست (پورتر، ۱۳۸۱: ۳۴).

یکی از ویژگی‌های این کاشی‌ها که باید مورد توجه قرار گیرد، کتیبه‌های به‌کار رفته در آنها است که اغلب دارای مضامین مذهبی بوده و با آیاتی از قران یا بیانات/ خطابۀ امامان شیعه همراه هستند؛ اما ویژگی دوم این کاشی‌ها اشتمال آنها بر اشعار حماسی از شاهنامۀ حکیم ابوالقاسم فردوسی است که از زمان سرودن مورد توجه نقاشان و مصوران بوده است. (همان: ۳۹).

کاشی زرین‌فام به عنوان عنصری تجملی برای تزیینات داخلی در ایجاد افریزه‌ها و زنجیره‌های پیوسته متشکل از ستاره‌ها و چلیپاها و شکل‌های در هم تابیده به‌کار می‌رفت که هر کدام به نقشی متمایز، مشابه با آنچه بر ظروف سفالین مشاهده می‌شود، تزیین می‌یافت. همانطور که پیش‌تر نیز گفته شد به‌نظر می‌رسد کاشان مرکز توسعۀ همه‌جانبۀ ساختِ کاشی‌های زرین‌فام بوده و این امر موجب خلق آثاری از سوی نویسندگان آن زمان شده است؛ با توجه به تعداد بی‌شمارِ قطعات کشف‌شدۀ تاریخ‌دار منسوب به این شهر که حتی برخی از آنها دارای کتیبه با ذکر نام شهر و امضاهای استادکاران هستند، کاشان را باید مرکز درخشان و پرآوازۀ تولید ظروف سفالی و کاشی‌های زرین‌فام دانست.

در مقایسهٔ آرایش نمونه‌های شاخص این سبک با چند مینیاتور منسوب به‌ایران در سدهٔ هفتم هجری، می‌توان نتیجه گرفت که روابط نزدیکی میان تزیین‌کنندهٔ سفال‌ها/ کاشی‌ها و تذهیب‌کار کتاب‌ها وجود داشته است؛ در واقع چنین به‌نظر می‌رسد که برخی از نمونه‌های هر دو محصول را اثر دست یک هنرمند بدانیم. در هم آمیختن موضوع‌های مختلف در یک ترکیب‌بندی چیده شده در بخش‌های افقی که روی سفالینه مرسوم بود در تطابق با مینیاتورهای ایرانی، در حقیقت ادامهٔ سنتی کهن در نقاشی ایران را نشان می‌دهد که زمانی پیش از آن برای تزیین دیوار در دوره اشکانی آغاز شده بود. آرایش سفالینه‌ها و مینیاتورها در جزییات بسیاری با هم مشابه‌اند: نوع و حالت شخصیت‌ها؛ طرز قرار گرفتن و ترسیم اسب‌ها، آذین گل و بوته، پرندگان کوچکی که غالباً روی درختان نشسته‌اند از آن‌جمله‌اند. دیگر ویژگی‌های مُعرف این آثار عبارت‌اند از خمیر گل مختلط، بدنهٔ سفیدرنگ با جنس سخت و بافت نرم و نقوش زرین‌فامی ظریف‌تر از سفال‌های ری. رایج‌ترین موضوعات های تصویری عبارتند از سواران، شکارچیان، جنگجویان، چوگان‌بازان یا چابک‌سواران ساده که از یورتمهٔ اسب‌های بلندبالای خود لذت می‌برند، شاهزادگان و شاهدخت‌های نشسته بر تخت به همراه ملازمان و گفت‌وگوی کوتاه با حرکت سر و دست. این نقوش درحالی که به سادگی می‌توانسته در بخش‌های افقی تنظیم شود، غالباً در طرح پیچیده‌تری سامان یافته که در آن ساختار هندسی، تلویحاً معنی می‌دهد یا گاهی نمایان، تنظیم شده است (پوپ، ۱۳۸۷ :۱۷۹۹).

هنرمندان شاخص مکتب کاشان

تاکنون فقط نام سه تن از نقاشان کاشی‌های ستاره‌ای مشخص شده است: ابورفاضه، فخرالدین و جمال‌الدین که کاشی‌های قم را در کارخانهٔ سیدرکن‌الدین محمدابن سیدالدین علی نقاشی کرده‌اند. بهره‌گیری از تجزیه و تحلیل سبک‌شناختی برای تشخیص تاریخ‌ها یا استادان کاشی‌های دیواری کوچک که تولید انبوه داشته‌اند، مشکل است. از آنجا که پوشش سطوح وسیع با کاشی‌های زرین‌فام، گاه تولید انبوه را ضرورت می‌بخشید، بدیهی است که جهت مرتفع‌ساختن فرآیند زمان‌بری، استادکاران به‌تنهایی محصول نهایی را تولید نمی‌کردند بلکه این صنعت با کارکنان نسبتاً زیاد و دستیاران سازمان‌یافته پی‌گیری می‌شد. بدیهی است تمام تلاش شاگردان نیز بر این بود که به سبک استاد وفادار بمانند. تداوم یک شیوه، علی‌رغم وجود برخی از ویژگی‌های نقاشی، باعث شد که برخی از محصولات باوجودی که سال تولیدشان نیم‌سده از هم فاصله دارد، همانندی‌های حیرت‌آوری در آرایش و هم ویژگی‌های سبک‌شناختی داشته باشند.

از سوی دیگر در برخی از کارگاه‌ها، پیشه‌وران مختلف به‌صورت کاملاً آشکار شیوه‌های فردی خود را در خلق آثار به کار می‌بردند که این امر منجر به وجودآمدن تفاوت، بین کاشی‌های تاریخ‌داری بود که در یک روز به‌وجود آمده‌اند. تفاوت‌هایی که ممکن است در نگاه اول به‌مراحل متمایزی در تکامل یک سبک نسبت داده شود. در نتیجه می‌توان با مطالعهٔ کامل جزییات، روش شخصی هر یک از استادان گمنام را شناخت و این ضرورتی است که پیش از هرگونه انتساب نمونه‌های بدون رقم بایستی در نظر گرفت. با این حال ابورفاضه سبکی داشته که به شناخت بهتر آثار او کمک می‌کند، اندازهٔ متفاوت کاشی‌های کار دست او از آن‌جمله است. ابورفاضه انسانی فوق‌العاده با استعدادهای فراوان شاعر و خوشنویس و طراح و سفالگر بود. به‌عنوان یک طراح روش مطمئن و سریعی داشت، چهره‌ها را دلپذیر نشان می‌داد و لباس‌ها سرشار از اسلیمی‌های پر از ریزه‌کاری‌های ظریف و درهم پیچیده بود. با این همه او بدون رقیب نبود. او رقیبی داشت به نام جمال‌الدین که تا حدودی متفاوت با سبک او کار می‌کرده اما دست کم از بعضی جنبه‌ها همانند او بوده، زیرا پرندگان و گل‌های او در مقایسه با نقوش ابورفاضه تاحدی واضح‌تر است. به‌نظر می‌رسد که این هنرمند بیشتر باید نقاش کتاب باشد تا مانند ابورفاضه، تزیین کننده. هنرمند بعدی فخرالدین است که رقم او در کاشی هشت پر متعلق به این مجموعه به‌چشم می‌خورد، به‌نظر می‌رسد این هنرمند کاملاً تحت نفوذ ابورفاضه قرار داشته است (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۸۱۲).

ویژگی زرین‌فام‌های کاشان

نقاشان کاشان، خوش‌اندامی و قوی‌هیکل بودن اسب اصیل از گونهٔ اسب سواری را تحسین می‌کردند. ترسیم روان اسلیمی‌های کاملاً مدور، برگ‌های رگه‌دار و نقطه‌چین، تقریباً نشانهٔ سبک نقاشان کاشان است (همان: ۱۸۴۰). اسب‌ها و ساز و برگ آنها هم در بسیاری از جزییات با آثار نقاشان ری متفاوت است و لباس‌ها پرداخت یکسانی را همچون نقوش زرین‌فام کاشان به جلوه در می‌آورند. رنگ‌بندی زرین‌فام کاشان نیز کاملاً متفاوت است (همان:۱۸۴۰). البته در سبک زرین‌فام کاشان، قالب ویژگی‌های ری حفظ شده است. بن‌مایه‌ها بیشتر داستانی و روایتی هستند و اندکی توجه شدید روی کیفیت خاصی وجود دارد که در سبک اولیهٔ هنرمندان ری درخور توجه بود. به‌جای تمرکز روی یک پیکرهٔ جدامانده‌ٔ تک یا مانند دومین سبک ری تقسیمات معماری مانند زمینه، در غالب موارد تمام سطح داخلی با مجموعهٔ پیکره‌ها پوشیده شده و در زمینهٔ نقش‌ها باغ‌های بسیاری درهم بافته‌شده و حتی درهم‌آمیخته‌اند؛ اما با تقسیم‌بندی فرعی داخلی یا مجموعه پیکره‌های جداگانه در نهایت به حداقل رسیده است. تأکید بر پوشش پیوستهٔ تمام سطح است، چنان که بر خلاف اهمیت پیکرها که

غالباً در اندازه‌های بزرگ و کاملاً مانند شخصیت‌ها خاص‌اند، نتیجهٔ طرحی سراسری، جالب و بی‌وقفه است. همهٔ جامه‌ها سرشار از آذین است، طرح‌های پارچه کاملاً با روش به‌کار رفته در ری متفاوت است؛ ویژگی برجستهٔ آن طراحی زیبا و دقیق اسلیمی‌هاست. همهٔ طرح‌ها پر از نقش هستند و در عین حال که یک مجموعهٔ منسجم را به‌وجود آورده‌اند قابل تفکیک بوده و با مهارت کامل اجرا شده‌اند. پس‌زمینهٔ طومارهای ظریف، در حالی که همواره اندازه‌ای یکسان دارد، در جهت و جزییات تنوع دارد و جلوهٔ کلی آن دارای درخششی باشکوه است. جانورانی که دیده می‌شوند هیچگاه برای تزیین نیستند اما تا حد امکان طبیعی نشان داده شده‌اند، گویی شرکت‌کنندگان واقعی در صحنه هستند. علاوه بر این ویژگی کلی تزیینی که بنیاد کل این مکتب است، ویژگی‌های خاص متنوعی روی سفالینه‌های کاشان یافت شده است که کاملاً با ویژگی‌های مشابه در نقش‌های ری متفاوت است؛ زیرا با اینکه نقش‌مایه‌های تزیینی به دلیل تقلید یا نشأت گرفتن از ریشه‌های مشترک تقریباً در هر زمان از این سده یکنواخت است، این نقش‌ها درواقع مینیاتورهایی هستند که غالباً تفاوت چندانی با تذهیب‌های کتاب ندارند. رشته‌ای از ابیات به خطی خوش روی حاشیهٔ سفید و باریکی که آنها را قاب کرده اجرا شده که نمی‌توان از فاصلهٔ بیش از چند متری آن را خواند. در حالی که احساساتی که نشان می‌دهد نفیس، لطیف یا شاد، فردی و دارای خصوصیتی ویژه است. این کاشی‌ها همچنین شاهدی بر عشق سیری‌ناپذیر مردم ایران به شعر است، ریشهٔ نمایان هنر کتاب‌آرایی را نشان می‌دهد. آنها در واقع ورق‌های کوچک هستند با عمری طولانی‌تر از پوست یا رنگیزه‌ها، لحظاتی از تخیلی دلپذیر، محصور در زیبایی و شکوه (همان: ۱۸۰۹).

بررسی تطبیقی زیبایی‌شناسی آرایه‌ها

در این قسمت با ارائهٔ جداول مختلف به‌بررسی ریخت‌شناسی نمونه‌های مورد استفاده در پنج کاشی مذکور و دیگر نمونه‌های مکتب کاشان می‌پردازیم. در این میان عناصری چون شخصیت‌های انسانی مورد استفاده، آرایه‌های گیاهی، ماهی و پرندگان بررسی شده است.

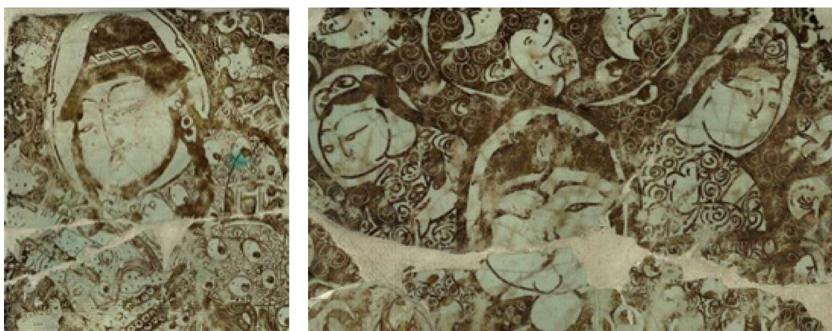
نقش مایه‌های قراردادی

پس‌زمینه تمام سفالینه‌های منقوش کاشان در دوره‌های اولیه با شبکه‌ای از نقطه‌های ظریف، طوماری‌ها و مارپیچ‌هایی که زیبا و متعادل کشیده شده، پر شده است و تضاد بسیاری با پس‌زمینه‌های استفاده شده روی سفالینه‌های منقوش زرین‌فام ری دارند. این پس‌زمینه‌ای است که تذهیب‌کاران

سدۀ قبل آنرا بسیار گسترش داده بودند، با وجود این مشخص نیست کدام صنعت و هنر آن را ابداع کرده است. باریکه یا نواری نسبتاً زاویه‌دار در هم‌بافته، گونه‌ای تزیین زیر و روی ماهرانه در تمام سفالینه‌های منقوش زرین‌فام کاشان رایج است که در مجموعۀ ری شناخته نشده است. ترسیم روان اسلیمی‌های کاملاً مدور همانند روی سفالینه‌های منقوش زرین‌فام بسیار شاخصه کاشان است (همان: ۱۸۴۰).

شخصیت‌های انسانی

در مکتب کاشان، پیکره‌ها گرایش به اشغال بخش بزرگتری از سطح دارند و پس‌زمینه را دربرگرفته، با آن یکپارچه می‌شوند. بعلاوه چهرۀ شخصیت‌ها با ویژگی افراط‌آمیزی گرد و برآمده است و گونۀ متفاوتی را نمایش می‌دهد (اشکال۵-۷). چشمان باریک باخطی که تقریباً تا گوش کشیده شده مشخصۀ این مکتب است. حلقه‌های پر پیچ و خم گیسوی سیاه به همان اندازه شاخصند، همچنین است ترسیم دست‌ها با انگشت اشاره که به صورت مبالغه‌آمیزی بلند به‌نظر می‌رسد.



■ شکل۵ و۶: نمونۀ تصویرگری چهره‌های انسانی در نمونه کاشی‌ها (مأخذ: نگارندگان).



■ شکل۷: جزییات تصاویر سه سوار بر کاشی ستاره‌ای[1] (مأخذ:نگارندگان).

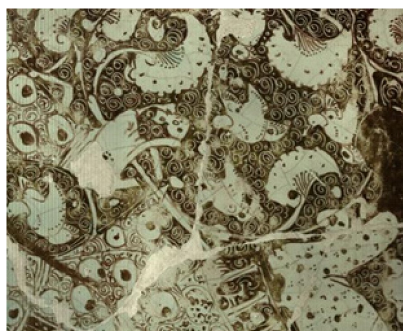
۱. این کاشی ستاره‌ای در ناحیۀ چشم‌ها دچار آسیب‌های عمدی انسانی شده است.

جدول۱: تحلیل شخصیت‌های انسانی

کاشی‌های مجموعه امامزاده اسماعیل	دیگر نمونه‌های مکتب کاشان (لوح ۱ و۳)

آرایه‌های گیاهی

طرح‌های هندسی و گیاهی که از جهت دینی از قداست برخوردارند در همان حال سرزنده و خیال انگیزاند، با پرجلوه‌ترین تنوع و گاه با زیبایی مسحور کننده نیز برای آذین به‌کار رفته‌اند (شکل۸). واضح است که قرار بوده نقش‌ها جداگانه و از نزدیک خوانده شود، این نقش‌ها واقعاً مینیاتورهایی هستند که غالباً تفاوت چندانی با تذهیب‌های کتاب ندارند.



■ شکل۸: نمونهٔ آرایه‌های گیاهی موجود در کاشی‌های چهارگانهٔ زرین‌فام مجموعه (مأخذ: نگارندگان).

جدول۲: تحلیل آرایه های گیاهی

کاشی‌های مجموعه امامزاده اسماعیل	دیگر نمونه‌های مکتب کاشان (لوحه۴)

پرندگان



■ شکل۹: نمونهٔ پرندگان موجود در کاشی ستاره‌ای زرین‌فام مجموعه (مأخذ: نگارندگان).

پوپ علاوه بر لک لک گرمسیری از دو پرندهٔ دیگر که بیشترین تکرار را در زرین‌فام‌های کاشان دارد (شکل۹)، نام برد که از این دو یکی پرندهٔ گنجشک‌مانند پادراز با کاکل‌های گره‌دار برجسته مانند چکاوک شاخ‌دار است و دیگری اردک‌های کوچک فربه هستند گهگاهی در ترکیب‌بندی با برگ‌های رگه‌دار و نقطه‌چین‌مانند روی بدنهٔ ظروف و کاشی‌ها تکرار شده‌اند که این اردک‌های فربه، بارها در کاشی‌های نام برده در مجموعهٔ امامزاده اسماعیل به تصویر کشیده شده‌اند (پوپ، ۱۳۸۷ :۱۸۲۶)

جدول۳: تحلیل پرندگان

کاشی‌های مجموعه امامزاده اسماعیل	دیگر نمونه‌های مکتب کاشان(لوح۲ و ۴)

ماهی‌ها

ماهیان شناور در پایین‌ترین زاویهٔ بدنه از همان رسمی تبعیت می‌کند که در ظروف سفالی و بسیاری از نمونه‌های کاشی ستاره‌ای زرین‌فام در سبک کاشان مرسوم بوده است. اجرای پرکار این آرایه در زمینه‌ای از خطوط مواج که درواقع سیمایی از آب آبگیر چشم‌انداز را عرضه می‌کند، جلوه‌ای ویژه دارد. ساختار کمانی/ دالبر دیوارهٔ آبگیر در کاشی‌های چهارگانه نشان روشنی از منظور هنرمند نگارگر در بازنمایی حوض دستینهٔ درون باغ یا چهارباغی را به‌خوبی نشان می‌دهد (شکل۱۰). به‌طور کلی آنچه در ترکیب آرایه‌ها و نگاره‌های این کاشی‌ها به‌صور ویژه جلب نظر می‌کند، تأکید هنرمند بر نمایش چشم‌انداز ایرانی مرکب از آبگیر، باغ و پرندگان است که به‌منزلهٔ «گلگشت مصفا» پیوسته مطلوب شاهان و امراء بود و در بوم‌های هنری گوناگون به‌شیوه‌ای فاخر عرضه می‌شد و در دیوان شعرا وصفی همیشگی و محبوب به‌شمار می‌رفت.



■ شکل۱۰: نمونهٔ استفاده از نقش ماهی در کاشی‌های زرین‌فام چهارگانه (مأخذ: نگارندگان).

جدول۴: تحلیل ماهی ها	
کاشی‌های مجموعه امامزاده اسماعیل	موجود در دیگر نمونه‌های مکتب کاشان (لوح ۵)

نتیجه‌گیری

می‌توان به‌صورت کلی کاشی زرین‌فام را بر معنای متعالی و برگرفته از فرهنگ کهن ایرانی دانست. تولید این آثار در یکی از تنگناهای تاریخ ایرانی یعنی پس از حملهٔ ویرانگر مغول با این درجهٔ کیفی و با استفاده از مضامین ملی‌گرایانه در یک مکان مذهبی نشانگر این مهم است که ایرانیان هیچگاه امید به‌رسیدن به نور و روشنایی و رهایی از ظلمت را از دست نداده‌اند. ورای مباحث فوق آنچه از منظر زیبایی‌شناختی و ریخت‌شناختی در کاشی‌ها دیده می‌شود نیز واجد اهمیت بسیار بالای آنها برای بررسی و موشکافی دقیق این آثار است. در وهلهٔ اول با توجه به عناصر، شیوهٔ کار، هماهنگی و نصب در یک مکان می‌توان مجموعهٔ پنج‌گانهٔ فوق را دارای سبک و دوره‌ای یکسان دانست و با توجه به کتیبه و تاریخ تک‌کاشی ستاره‌ای که زمان ساخت و سازندهٔ آن را به ترتیب به سال ۶۶۱ هجری و فخرالدین محرز می‌سازد، چهار قطعه کاشی دیگر را نیز می‌توان به‌همین زمان و هنرمند نسبت دهیم. دوم اینکه با توجه به معرفی شاخصه‌های مکتب کاشان به وضوح می‌توان ارتباط منطقی میان نقش‌مایه‌ها و آرایه‌های تزیینی پنج قطعه کاشی زرین‌فام بنای امامزاده اسماعیل با نمونه‌های شاخص دیگرِ مکتب زرین‌فام کاشان یافت و آنها را وابسته به همان مکتب و نحلهٔ فکری دانست. البته اشارهٔ پوپ نیز به تأثیر و تولید آثار فخرالدین به‌عنوان هنرمند کاشانی از اسلاف پیشین خود نیز مبین همین امر است و این نظر را تقویت می‌کند. در نهایت آنچه می‌توان به‌عنوان شاخصهٔ این پژوهش در نظر گرفت همانا بررسی یکی از مهم‌ترین نمونه‌های کاشی زرین‌فام در تاریخ ایران‌زمین است که ورای استفاده از آنها در یک مکان مذهبی، شاخصه‌های هنری و ملی ایرانیان مانند استفاده از اشعار شاهنامهٔ فردوسی را نیز به‌نمایش می‌گذارد. این مهم (استفاده از یک کاشی با اشعار شاهنامه در یک مکان مذهبی) در کنار تزیینات و شیوهٔ کار یکتای هنرمند آن، فخرالدین، مجموعه آثار را به عنوان یکی از شاهکارهای کاشی‌کاری زرین‌فام ایرانی معرفی می‌کند.

منابع

- اکبری، عباس (۱۳۸۷). نقد نظریه تطبیقی نقوش "الیور واتسون" در انتساب ابداع لعاب زرین فام به مصر، دو فصلنامه علمی – پژوهشی هنرهای تجسمی نقش مایه، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان، صص ۳۵-۴۴
- بایار، ژان پیر (۱۳۷۶). رمزپردازی آتش، مترجم: جلال ستاری، تهران، نشر مرکز
- بهرامی، مهدی (۱۳۲۷). صنایع ایران: ظروف سفالین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- پاکباز، رویین (۱۳۸۵). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران، انتشارات زرین و سیمین
- پوپ، آرتر آپم (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران، جلد چهارم: سفالگری، خوشنویسی، کتیبه نگاری، مترجم: نجف دریابندری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- پورتر، ونیتیا (۱۳۸۱). کاشی های اسلامی، مترجم: مهناز شایسته فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی
- شایسته فر، مهناز (۱۳۸۶). هنر و معماری: مطالعات هنرهای تجسمی، شماره بیست و هفت، بهمن، صص ۲۹-۳۹
- شراتو، امبرتو، گروبه، ارنست (۱۳۷۶). هنر ایلخانی و تیموری، مترجم: یعقوب آژند، تهران ،انتشارات مولی
- قانونی، محسن، صادقی مهر، سمانه (۱۳۹۶). بررسی کتیبه کاشی های زرین فام حضرت فاطمه معصومه (س) در قم، هنرهای زیبای تجسمی، دوره بیست و دو، شماره دو، صص ۷۷-۸۸
- معتقدی، کیانوش (۱۳۹۳). خاندان طاهر کاشانی (گلستان هنر شماره ۹)، تهران، نشر پیکره

منابع لاتین

- Caiger-Smith, Alan, (1985). Lustre Pottery: Technique, Tradition and Innovation in Islam and the Western World, Faber and Faber press, London

تارنماها

1- https://i.pinimg.com/originals/dc/71/ca/dc71ca725cf7b638362d65f597d78a35.jpg



■ لوح ۱: ظرف زرین فام کاشان، سده ششم یا هفتم ه.ق، مجموعه فیلیپ لمان، (پوپ، ۱۳۸۷: ۶۵۳)



■ لوح۲: کاشی ستاره ای منقوش زرین فام، به تاریخ ۶۶۵ ه.ق، موزه لوور (مأخذ: تارنمای شماره۱).



■ لوح ۳: سینی بزرگ زرین فام، تصویر شهزاده و درباریان،
کاشان، ایران، احتمالا اویل سده هفتم ه.ق (پورتر، ۱۳۸۱: ۳۷)



■ لوح۴: کاسه زرین فام، سوارکار زن، به تاریخ ۶۰۴ ه.ق،
مجموعه کلکیان، موزه ویکتوریا و آلبرت، (پوپ، ۱۳۸۷: ۷۰۳)



■ لوح ۵: بشقاب زرین فام، دیدار خسرو و شیرین، به تاریخ
جمادی الثانی ۶۰۷ ه.ق، عمل سید شمس الدین الحسنی، مجموعه
یومورفوپولیس (پوپ، ۱۳۸۷: ۷۰۸)